

### مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران<sup>۱</sup>

سهیلا صادقی فسایی<sup>۲</sup>، زهرا میرحسینی<sup>۳</sup>

#### چکیده

از آنجا که بخش بزرگی از جمعیت زنان ایران را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند و آنها نقش مهمی در نگه‌داشت ارکان خانواده و تربیت فرزندان ایفا می‌کنند، شناسایی کیفیت زندگی آنان از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که محصور بودن زنان در حوزه خصوصی باعث می‌شود، بسیاری از مسائل و مشکلات آنها مورد غفلت واقع شود. مسائلی که می‌تواند بر روی کیفیت زندگی خانوادگی و بروز آسیب‌های اجتماعی جامعه تأثیر بگذارد. در این پژوهش تلاش شده است، تا با بکارگیری روش تحقیق کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۲۶ زن خانه‌دار ۲۳ تا ۵۸ ساله تهرانی که ویژگی مشترک آنها تاهل و خانه‌داری است، کیفیت زندگی زنان خانه‌دار بنا به روایت و تجربه زیسته‌ی آنان از خانه‌داری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد؛ سطح تحصیلات زنان، مادری و به تبع آن تعداد فرزندان، اعتقادات مذهبی و سنتی، میزان مشارکت و فعالیت اجتماعی، مناسبات قدرت در خانواده و میزان تسلط و استیلای مردانه و... در کیفیت زندگی زنان و مواجهه‌ی آنان با امور خانه‌داری تأثیر گذار است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، زنان استراتژی‌های متفاوتی را به منظور ارتقاء سطح کیفیت زندگیشان به کار می‌بندد که عبارتند از؛ شرکت در کلاس‌های ورزشی و تفریحی، عضویت در کانون‌های فرهنگی، برگزاری مراسم مذهبی و میهمانی‌های دوره‌ای زنانه.

**واژگان کلیدی:** زنان خانه‌دار، کیفیت زندگی، تجربه زیسته، روش کیفی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۳

<sup>۱</sup> - این مقاله مستخرج از نتایج طرحی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان در شهر تهران می‌باشد» که در قالب طرح پژوهشی

شماره ۱/۱۰/۳۱۰۲۰۲۰۱ و با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول) Email: ssadeghi@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران Email: mirhosseini@ ut.ac.ir

#### مقدمه

بر اساس آمارها سهم زنان از نیروی کار رسمی، ۱۱ درصد است که در این بین بالغ بر ۲.۱ میلیون زن شاغل و بیش از ۱۴ میلیون زن جامعه ایرانی در گروه‌های سنی مختلف خانه‌دار می‌باشند (ساروی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۰). اگرچه انجام وظایف خانگی بنا بر تقسیم کار جنسیتی عمدتاً برای زنان تعریف می‌شود و مطابق الگوهای جامعه‌پذیری، زنان خود را با نقش‌های خانگی وفق داده‌اند و آن را امری طبیعی تلقی می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که با گسترش شهرنشینی و با بالا رفتن سطح تحصیلات و ایجاد گروه‌های متنوع اجتماعی، انتظارات و توقعات زنان نیز تغییر کرده است. برای مثال امروزه بسیاری از زنان مایلند که در ورای نقش‌های سنتی خود عمل کنند و ترکیبی معقول و متوازن میان نقش‌های سنتی و مدرن از خود نشان دهند. دیدگاه زنان پیرامون وظایف خانگی بعضاً مبهم و متناقض به نظر می‌رسد، اگرچه از یک طرف آن را مثبت تلقی می‌کنند و خانه‌را حوزه شخصی و قلمرو خود می‌دانند و کارهای خانگی را وظیفه و تکلیفی می‌دانند که با سایر نقش‌های مادری و مراقبتی آنها همخوانی دارد، اما از طرف دیگر زنان کارهای خانگی را یکنواخت، خسته‌کننده و ایزوله‌کننده معرفی می‌کنند.

علاوه بر آن زنان در مولد بودن و خلاقیت امور مربوط به خانه گاه‌گاه دچار شک و تردید می‌گردند و از طرف دیگر نیز مقایسه با زنان شاغل زمینه‌های سرخوردگی، ناامیدی را برای آنها ایجاد می‌کند. اما از آن حیث که زنان خانه‌دار، فاقد شبکه‌های اجتماعی و فضاهای اجتماعی برای طرح مسائل خود می‌باشند، به نظر می‌رسد که بسیاری از مسائل مربوط به آنها به صورت نامرئی و پنهان باقی می‌ماند و به نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه‌های ناامیدی، افسردگی، سرخوردگی و فروتری را برای آنها فراهم سازد. بر این اساس این مسئله می‌تواند در میزان کیفیت زندگی و تلقی آنها از سطح کیفیت زندگیشان تاثیر بسزایی داشته باشد.

سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را درک فرد از موقعیت خود در زندگی در بستر فرهنگ، سیستم ارزشی جامعه، اهداف، انتظارات و معیارهای هر فرد، تعریف کرده است. بنابراین کیفیت زندگی از دیدگاه افراد، در موقعیت‌های مختلف متفاوت بوده و به رضایت فرد از زندگی خود بر می‌گردد و با عواملی مانند: سن، فرهنگ، جنسیت، تحصیلات، وظایف طبقاتی، محیط اجتماعی و وضعیت تندرستی ارتباط پیدا می‌کند (ساروی، ۱۳۹۰). از این رو کیفیت زندگی زنان خانه‌دار علاوه بر زندگی شخصی آنها، بواسطه‌ی جایگاه زنان در خانواده و شبکه‌ی ارتباط

خانوادگی آنها با اعضای کانونی خانواده، نقش بسزایی دارد، بنابراین انجام تحقیقی با عنوان مطالعه جامعه شناختی کیفیت زندگی زنان خانه دار، لازم و ضروری به نظر می رسد. بر این اساس، در این تحقیق ما بر آن هستیم تا تحلیلی جامعه شناختی از کیفیت زندگی زنان خانه دار ارائه دهیم.

#### **پیشینه تحقیق:**

مطالعه تحقیقات پیشین نشان می دهد تا کنون تحقیقات محدودی در زمینه ی کیفیت زندگی زنان خانه دار صورت پذیرفته و بیشتر تحقیقات انجام شده در این حوزه به بررسی ارزش کار خانگی زنان و ارزش افزوده حاصل از آن، نگرش زنان به خانه داری و تحقیقاتی نظیر این اختصاص یافته است (نظیر ندری ایبانه ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴، باقری ۱۳۹۰، نوربخش و دیگران ۱۳۸۴، بدری منش ۱۳۸۵ و...). در این میان تحقیقاتی نیز به مسئله سلامت روان و بهداشت روانی زنان خانه دار و شاغل و همین طور سبک زندگی آنها پرداخته اند که بیشتر ابعاد بهداشتی و سلامتی کیفیت زندگی این دو گروه از زنان را مورد توجه قرار داده اند و کمتر مطالعات جامعه شناختی در رابطه با کیفیت زندگی زنان خانه دار صورت پذیرفته است.

ساروی و همکاران در سال ۱۳۹۰ تحقیقی با هدف مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه دار شهر زاهدان انجام داده اند. در این مطالعه ۲۲۰ زن (۱۱۰ نفر شاغل و ۱۱۰ نفر خانه دار) به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و در مطالعه شرکت نموده اند که با کمک روش های آماری و نرم افزار spss اطلاعات جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به صورت مورد شاهد انجام شده و عملکرد جسمانی، محدودیت نقش به علت مشکلات جسمانی، درد جسمانی، سلامت عمومی، احساس نشاط، سلامت روانی، محدودیت نقش به علت مشکلات روحی و عملکرد اجتماعی هر دو گروه زنان شاغل و خانه دار را مورد ارزیابی قرار داده است. یافته های این تحقیق نشان داده، زنان شاغل در تمامی سنجش های کیفیت زندگی بجز عملکرد جسمانی از میانگین امتیاز بیشتری برخوردار هستند و وضعیت بهتری از زنان خانه دار دارند. همچنین میانگین نشاط، تفاوت معنی داری در دو گروه زنان شاغل و خانه دار داشته است به طوری که زنان شاغل وضعیت سلامت روان خود را بهتر از زنان خانه دار ارزیابی کرده اند.

از این رو نتایج این مطالعه مؤید تأثیر اشتغال بر کیفیت زندگی زنان به خصوص در حیطه های روانی آنها بوده و نشان می دهد فراهم نمودن زمینه های مشارکت اجتماعی و اشتغال زائی متناسب با شأن زنان در تأمین سلامت و ارتقاء کیفیت زندگی آنان مؤثر است. این تحقیق نتیجه می گیرد؛

پایین‌تر بودن میانگین عملکرد جسمانی زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار شاید بدین علت باشد که علاوه بر شیوع اختلالات درد بدون منشأ فیزیولوژیک در زنان، زنان شاغل مسئولیتی مضاعف داشته، علاوه بر نقش‌های اجتماعی و وظیفه خانه‌داری را نیز برعهده دارند.

### ملاحظات نظری تحقیق:

با توجه به کیفی بودن تحقیق، چارچوب نظری خاصی برای انجام تحقیق به کار گرفته نشده، هرچند که در تمام مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های تحقیق با کاربرد مفاهیم حساس و ارجاع به نظریات مرتبط، ارتباط با دانش موجود حفظ شده است. از این رو در این بخش برخی نظریات موجود در رابطه با کیفیت زندگی مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به این نظریات می‌توان دریافت کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی بوده و محققین در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، سلامت و بهداشت و... به تبیین کیفیت زندگی پرداخته‌اند. اکثر متخصصین و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کیفیت زندگی داری شش بعد است. (دهداری، ۱۳۸۱، ۴۱)

۱- بعد فیزیکی: این بعد بیشتر از تعبیر ابعاد، معیارهای اندازه‌گیری نتایج را نشان می‌دهد. سئوال‌ات مربوط به بعد فیزیکی شامل: سئوال‌ات درباره قدرت، انرژی، توانایی برای انجام فعالیتهای روزمره و خود مراقبتی می‌باشد. این سئوال‌ات بطور عمومی با ارزیابی پزشکان از وضعیت عملکردی و احساس بهتر بودن در ارتباط است.

۲- بعد اجتماعی: احساس بهتر بودن از لحاظ اجتماعی اشاره بر این دارد که کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع چگونه است.

۳- بعد روانی: احساس بهتر بودن از لحاظ روانی، اغلب در ارتباط با مراقبتهای بهداشتی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. شایع‌ترین نشانه‌های روانی که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: اضطراب، افسردگی و ترس.

۴- بعد جسمی: این بعد به علائم بیماری و عوارض جانبی درمان مثل درد اشاره دارد.

۵- بعد روحی: احساس بهتر بودن از لحاظ روحی به این مفهوم اشاره دارد که زندگی هر کس هدف و معنایی دارد.

۶- بعد محیطی: این بعد به این مقوله اشاره دارد که کیفیت محیط پیرامون زندگی بشر برای زیست چگونه است و اینکه افراد آیا اثرات خارجی مثبت بر محیط زیست خود و سایرین می‌

گذارند یا نه؟ و یا اینکه تا چه حد سعی می‌کنند تا اثرات خارجی منفی تعاملات خود را کاهش دهند.

فیلیپس<sup>۱</sup> نیز کیفیت زندگی فردی را از دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار داده و معتقد است، لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل؛ در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت جویی، رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی و در نهایت مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود. (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۲۴۲)

همانطور که گفته شد، کیفیت زندگی دارای ابعاد گوناگون و متعددی است و شاخص‌های آن در حوزه‌های مختلف روانشناسی، زیست‌شناسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، پزشکی و... قابل‌شناسایی و تعریف است. از این رو هر بررسی علمی و عملی در رابطه با کیفیت زندگی باید با توجه به اصول و نظریه‌های حوزه‌های مختلف ذکر شده باشد، که انجام تحقیق را سخت و دشوار می‌کند. از این رو با توجه به عنوان تحقیق که مبتنی بر تحلیلی جامعه‌شناسانه از کیفیت زندگی زنان خانه‌دار است، بنابراین در اینجا فقط آن بخش از نظریات مطرح می‌شود که در ارتباط با کیفیت زندگی و در حوزه جامعه‌شناسی باشد.

### **نظریه ریف و سینگر<sup>۲</sup>:**

ریف و سینگر کیفیت زندگی را شامل شش مولفه می‌دانند:

- ۱- پذیرش خود، به معنای احترام به نفس بر اساس آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود
- ۲- هدف داشتن در زندگی، مقاومت و پایداری در برابر سختی‌ها و رنج‌ها برای دستیابی به اهداف مد نظر
- ۳- رشد شخصی، به صورت شکوفا ساختن کلیه نیروها و استعدادها خود و به دست آوردن توانایی‌های جدید که مستلزم روبه‌رو شدن با شرایط سخت و مشکلات است، حاصل می‌شود.
- ۴- تسلط به محیط؛ یکی دیگر از مولفه‌های کیفیت زندگی تحت کنترل داشتن جهان پیرامون است. یعنی فرد باید بتواند تا حد زیادی بر زندگی و محیط اطراف خود تسلط داشته باشد. این کار

<sup>۱</sup> -Phillips

<sup>۲</sup> -Ryff & Singer

در گرو آن است که فرد محیط را مطابق خصوصیات و نیازهای فردی خود شکل دهد و بتواند آن را به همان شکل نگه دارد. کنترل در زندگی چالشی است که انسان تا آخر عمر با آن روبروست. این جنبه از کیفیت زندگی بر این نکته تاکید دارد که برای ایجاد و حفظ محیط کار و خانوادگی مطلوب هر شخصی همواره به نیروی خلاقانه احتیاج دارد.

۵- خودمختاری؛ به این معنا که فرد بتواند بر اساس معیارها و عقاید خویش عمل و زندگی کند. حتی اگر بر خلاف عقاید و رسوم پذیرفته در جامعه باشد.

- روابط مثبت با دیگران؛ عبارت است از توانایی برقراری روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و اشتیاق برای چنین رابطه‌ای و نیز عشق ورزیدن به دیگران (ریف و سینگر، ۱۹۸۸)

#### نظریه فلانگان<sup>۱</sup>

از نظر فلانگان (۱۹۸۲) اعضای یک جامعه از این نظر که کیفیت زندگی تا چه حد بر آنها تاثیر می‌گذارد متفاوت هستند. این اختلاف نظر به خصوص در میان گروه‌های سنی و جنسی قابل مشاهده است. چون افراد از این نظر که کدام بعد اهمیت بیشتری در کیفیت زندگی آنها دارد، متفاوت هستند. او پنج حیطه را در گروه بندی کیفیت زندگی مطرح می‌کند که عبارتند از:

- ۱- خوب بودن فیزیکی و مادی شامل رفاه مادی و تامین مالی و بهداشتی و شخصی
- ۲- ارتباط با سایرین همانند ارتباط با همسر و داشتن و اضافه کردن فرزند، ارتباط با والدین و خویشاوندان

۳- فعالیت‌های جمعی و اجتماعی از قبیل کمک به مردم

۴- اجتماعی شدن از قبیل فعالیت‌های سرگرم کننده (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

#### رویکرد کالمن در رابطه با کیفیت زندگی:

از نظر کالمن (۱۹۸۴) وقتی می‌توان گفت که یک کیفیت عالی برای زندگی وجود دارد که امیدهای فرد با تجارب وی تطابق داشته باشد و تکمیل شود. حالت عکس هم صدق می‌کند؛ کیفیت زندگی پایین زندگی وقتی است که امیدها با تجارب همخوان نشود. به بیان دیگر ادعای کالمن این است که شیوه زندگی با این مفهوم به خواسته‌های خود می‌رسد، بهبود می‌یابد. با این وجود این به این معنا نیست که امیدهای شخص و آرزوهای مثبت شده و سپس تکمیل می‌شود. کالمن اشاره دارد که اهدافی که توسط عوامل ایجاد می‌شوند باید واقع‌گراتر باشند. وقتی آرزوها

<sup>۱</sup> - Flanagan

را واقعی‌تر کرده و فرد را به توسعه و رشد در راه‌های دیگر تشویق کنیم، فاصله میان امیدها و دستیابی به آنها به خوبی کم می‌شود. بنابراین با توجه به نظر کالمن حقیقتاً می‌توان شیوه زندگی فرد را با مخالفت کردن با آرزوها بهبود بخشید و همچنین گاه لازم است بعضی آرزوها را حذف کنیم تا فاصله بین آنچه تجربه شده و آنچه انتظار می‌رود، کم گردد (کالمن، ۱۹۸۴ به نقل از مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲).

همان‌طور که بحث شد، در رابطه با تبیین کیفیت زندگی زنان خانه‌دار و ابعاد مختلف آن می‌توان به نظریات و رویکردهای مطرح شده، مراجعه و استناد نمود و می‌توان از آنها به عنوان نظریات ارجاعی در تمام مراحل تحقیق استفاده نمود، با این حال با توجه به کیفی بودن پژوهش هیچ کدام از این نظریات به عنوان چارچوب تئوریک تحقیق انتخاب نشده‌اند. هرچند که در تمام مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های تحقیق با کاربرد مفاهیم حساس و ارجاع به نظریات مرتبط، ارتباط با دانش موجود حفظ شده است.

#### نظریه رضایت از زندگی:

در بین شاخص‌های سازنده مفهوم کیفیت زندگی، «رضایت از زندگی» یکی از مهمترین آنها به شمار می‌رود، که بیان‌کننده نگرش فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع نوع خاصی از نگرش‌های سیاسی را شامل می‌شود که در مجموع فرهنگ مدنی را شکل می‌دهد و مجموعه‌ای از اعتماد اجتماعی، تلاش برای حفظ نظم اجتماعی و حمایت اجتماعی و ... را در بر می‌گیرد. هرچه قدر این میزان رضایت در سطوح پایین‌تری باشد، فرد در سطح بالاتری از انزوای اجتماعی و بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴)

در برخی از تحقیقات کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم ذهنی مبتنی بر ارزش‌ها و تمایلات فردی در ارتباط با میزان رضایتمندی از زندگی در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر «رضایت از زندگی» به عنوان مولفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد، که در این خصوص چهار نوع رضایت از زندگی وجود دارد:

۱- رضایت ناشی از داشتن<sup>۱</sup> که متاثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد.

۲- رضایت ناشی از ارتباط<sup>۲</sup> که معطوف به روابط اجتماعی است.

<sup>۱</sup>-Having

<sup>۲</sup>-Relating

۳۴..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

۳- رضایت ناشی از بودن<sup>۱</sup>، پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود، که دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل خود بیگانگی دارد.

۴- رضایت ناشی از اقدام و عمل<sup>۲</sup> که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار در قالب اوقات فراغت می‌شود. (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۴)

کاتر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) کیفیت زندگی را به مثابه رضایت فرد از زندگی و محیط پیرامونی تعریف می‌کند که نیازها، خواست‌ها، ترجیحات سبک زندگی و سایر عوامل ملموس و غیر ملموسی را که بر بهزیستی همه جانبه فرد تاثیر دارند، در بر می‌گیرد. (کاتر، ۱۹۸۵ به نقل از غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۵)

همان‌طور که بحث شد، در رابطه با تبیین کیفیت زندگی زنان خانه‌دار و ابعاد مختلف آن می‌توان به نظریات و رویکردهای مطرح شده، مراجعه و استناد نمود و می‌توان از آنها به عنوان نظریات ارجاعی در تمام مراحل تحقیق استفاده نمود، با این حال با توجه به کیفی بودن پژوهش هیچ کدام از این نظریات به عنوان چارچوب تئوریک تحقیق انتخاب نشده‌اند. هرچند که در تمام مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های تحقیق با کاربرد مفاهیم حساس و ارجاع به نظریات مرتبط، ارتباط با دانش موجود حفظ شده است.

#### اهداف تحقیق:

هدف کلی این پژوهش بررسی، توصیف و مطالعه کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران با توجه به تجربه زیسته آنها می‌باشد. مصاحبه‌های عمیق با این نیت صورت خواهد پذیرفت تا به اهداف زیر دست یابیم:

- درک و تصور زنان نسبت به وظایف خانه‌داری چیست؟
- ارزیابی زنان نسبت به انجام کارهای خانگی چگونه است؟
- تبعات مثبت و منفی خانه‌داری از دید زنان چگونه ارزیابی می‌شود؟
- مسائل و مشکلات مربوط به خانه‌داری بنا بر روایت زنان چگونه به تصویر کشیده می‌شود؟
- زنان برای غلبه بر مشکلات مربوط به خانه‌داری چه راهکارهایی را دنبال می‌کنند؟

<sup>۱</sup> -Being

<sup>۲</sup> -Action

<sup>۳</sup> - cutter



- برنامه روزانه و همچنین ساعات اوقات فراغت زنان خانه‌دار چگونه مدیریت می‌شود؟

### روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی؛ متدولوژی مطالعه موردی و استفاده از متد مصاحبه‌های عمیق کیفی، در میان ۲۶ زن صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است، مطالعات انجام شده در این تحقیق جنبه اکتشافی دارند، مطالعه اکتشافی شامل آن دسته از مطالعات است که محقق را نسبت به شناخت مسئله قابل تحقیق؛ با استفاده از مشاهدات، مشاهدات مشارکتی، مصاحبه‌ها، مطالعات موردی و... کمک می‌کند؛ و یک مطالعه با هدف شناخت بهتر مسئله، صورت می‌پذیرد. با توجه به آنکه در زمینه مطالعه کیفیت زندگی زنان خانه‌دار، بویژه در ایران سابقه مطالعه و بررسی چندانی وجود ندارد، روش مطالعه در این تحقیق، مطالعات اکتشافی می‌باشد.

در تحقیق کیفی برای دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق ارزش قائل می‌شوند و محقق می‌کوشد تا از دیدگاه‌های آن‌ها آگاه گردد. ضمن آن که پژوهشگر و افراد مورد تحقیق با هم رابطه متقابل برقرار می‌کنند و سرانجام اینکه برای جمع‌آوری داده‌های اصلی به گفته‌ها و رفتارهای قابل مشاهده افراد تکیه می‌کنند. اما در تحقیقات کمی پروسه‌های اجتماعی و ذهنی معمولاً پنهان و کشف نشده باقی می‌مانند، و این همان چیزی است که تحقیقات کیفی قصد آشکار کردن آن را دارند، یعنی نکات ناگفته ذهنی افراد که معمولاً در قالب پرسشنامه‌های ساختمانده، با پاسخ‌هایی بسته قابل دسترسی نمی‌باشد، در این دسته تحقیقات بدست خواهد آمد. (صادقی و میرحسینی، ۱۳۸۸)

در این تحقیق با کمک روش تحقیق کیفی می‌توان به تکرر معنایی رسید، چیزی که در روش کمی در رابطه با این مسئله، بدست نخواهد آمد. استفاده از روش کیفی در این پژوهش، کمک می‌کند تا ابعاد پنهان زندگی زنان خانه‌دار را دریابیم و حتی باعث می‌شود و اجازه می‌دهد که عواطفی که مربوط به جزئیات و ویژگی‌های فرهنگی و طبقاتی افراد است، بدست آید. چرا که هر کس با ویژگی‌های فردی که حاصل زندگی اجتماعی اوست، در شرایطی متفاوت از سایرین به سوالات محقق کیفی پاسخ می‌گوید و اجازه درک موقعیت‌های افراد را به محقق می‌دهد و این مسئله می‌تواند به محقق کمک کند تا دریابد که زنان خانه‌دار در شرایط متفاوت سنی، طبقاتی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین تیپ‌های متفاوت زندگی خانوادگی از چه سطح از کیفیت زندگی برخوردار هستند و خود چه درک و تصویری از کیفیت زندگی خویش داشته و چه تمهیداتی را برای ارتقاء سطح کیفیت زندگی خود به کار می‌گیرند.

نمونه‌ها در روش کیفی بر اساس دسترسی نمونه‌ها، راحتی و توجه به اشباع نظری انتخاب می‌شوند. در کار کیفی انتخاب تعداد زیادی نمونه، باعث می‌شود تا تحلیل ارائه شده دقیق نباشد. متن‌ها، نوشته‌ها و یادداشت‌های شخصی محقق که بطور مستقیم و غیرمستقیم به موضوع مورد مطالعه مربوط می‌شوند، در کار تحلیل مهم است. نمونه‌گیری در روش تحقیق کیفی می‌تواند هدفمند، تئوریک و یا ابزاری و بر اساس موضوع مورد تحقیق باشد. (سیلورمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰)

در این تحقیق؛ با ۲۹ زن مصاحبه شده، که ۳ مصاحبه به علت عدم گویایی و دقت کافی در جمع‌آوری اطلاعات، ابطال و در نهایت؛ این تحقیق بر تحلیل توصیفات ۲۶ زن ۲۳ تا ۵۸ ساله که در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران زندگی می‌کنند، قرار گرفت. در این تحقیق متاهل بودن و خانه‌دار بودن زنان، ملاک اصلی انتخاب نمونه‌ها بوده است، هر چند زنان مصاحبه‌شونده دارای سطوح مختلف تحصیلات و ساکن مناطق مختلف شهر تهران بودند. میانگین سنی زنان مصاحبه‌شونده، برابر با ۳۸.۱۷ سال و میانگین سن ازدواج آنها ۱۸.۸۶ سال بوده است. از میان زنان مصاحبه‌شونده، ۱۳ نفر دارای دو فرزند، شش نفر، صاحب یک فرزند، دو نفر فاقد فرزند و ۵ نفر نیز، سه فرزند و بیشتر داشتند. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و در جلسات ۴۵ تا ۹۰ دقیقه‌ای صورت پذیرفته و با اجازه‌ی مشارکت کنندگان ابتدا روی نوار ضبط و سپس بر روی کاعذ پیاده شده‌اند. هدف از این مصاحبه‌ها، برانگیختن بحثی غیر رسمی بود، که موضوعات تحقیق را تحت پوشش قرار دهد.

#### یافته‌ها

این بخش بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۲۶ زن خانه‌دار جمع‌آوری شده است. پرسش‌های تحقیق شامل طیفی از سوالات منعطف در حوزه خانه‌داری، میزان رضایت از زندگی، نگاه به خانه‌داری، علاقمندی به کارهای خانه، نگاه به زنان شاغل، راه‌های ارتقاء کیفیت زندگی و... است که زنان خانه‌دار شرکت‌کننده در این پژوهش بدان‌ها پاسخ داده‌اند. در ذیل نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی به تفصیل ارائه شده است:

#### خانه‌داری از نگاه زنان:

بنا به تعریف ارائه شده توسط مرکز آمار ایران «خانه‌دار فردی است که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل به حساب نمی‌آید و بنا بر اظهار پاسخگو در هفت روز پیش از مراجعه مامور

<sup>1</sup> - David Silverman

آمارگیری به خانه داری مشغول است». (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۳: ۱۵). در غرب تعداد بسیاری از زنان شاغل هستند، این در حالی است که در ایران بالای ۸۵ درصد زنان خانه دار هستند و هویت خود را به عنوان خانه دار معرفی می کنند (بدری منش، ۱۳۸۵: ۱۴).

زمانی که یک زن خود را به عنوان خانه دار معرفی می کند، در گستره ی ذهن و درک و تصور مخاطبان مجموعه ای از نقش ها و وظایف شکل می گیرد که از آن به عنوان «خانه داری» نام برده می شود و معمولاً از کارهای روزمره شروع شده و گاهاً حتی در برگیرنده هسته های همسری و مادری هم می شود.

از این رو زنان طیف وسیعی از کارهای خانه مشتمل بر پخت و پز، خرید، شست و شو و..، همسرداری، بچه داری و رسیدگی به امور تربیتی و آموزشی فرزندان، نگهداری از افراد سالخورده خانواده و حتی اموری نظیر خیاطی، تعمیر لباس و گاهاً رسیدگی به باغچه و حیاط منزل را در زمره امور خانه داری تلقی می کنند.

ژاله ۲۷ ساله، دیپلمه و دارای دو فرزند می گوید:

«خونه داری یعنی همه کار؛ تربیت بچه، پختن غذا، خانه تمیز کردن، همسر خوب بودن و...».

### نگاه دوگانه به خانه داری:

در مورد خانه داری، همواره یک نوع تناقض آشکار در جامعه ی ما وجود داشته است. از یک سو خانه داری و وظایف مادری مطلوب فرض می شود و از طرفی دیگر کار خانه، یکنوع کار پیش پا افتاده و بی ارج و قرب تلقی می گردد که فقط زنان به عنوان جنس دوم باید آن را انجام دهند و اگر مردی بخواهد روزی خانه داری کند، نه تنها مقبول اطرافیان خود قرار نمی گیرد، بلکه مورد سرزنش آنها نیز واقع خواهد شد. (بدری منش، ۱۳۸۵: ۷)

از نظر زنان مصاحبه شونده نیز، خانه داری از یک طرف؛ خسته کننده، یکنواخت، بدون ارتقاء، نامرئی و بی تنوع است و از طرف دیگر؛ آرامش زاست و برای زنان درجه ای از آزادی را فراهم می کند که به آنها امکان انجام برخی فعالیت های جانبی چون، ورزش، مطالعه آزاد، پیاده روی و تماشای فیلم و تلوزیون را می دهد. از این رو با توجه به دیدگاه زنان در مواجهه با خانه داری می توان دو جنبه مثبت و منفی را برای خانه داری شناسایی و دسته بندی نمود:

<sup>۱</sup> - لازم به ذکر است کلیه اسامی مصاحبه شوندگان مستعار می باشد.

### الف) جنبه‌های مثبت خانه داری

تقریباً تمامی زنان زنان مصاحبه‌شونده معتقد بودند؛ آرامش و اعصاب راحت، خود مختاری و مختار بودن بر وقت و زمان، در کنار فرزندان بودن و رسیدگی به امور خانه و همسر، از نکات مثبت و خوب خانه داری است.

پونه ۲۸ ساله، دیپلمه و دارای دو فرزند می‌گوید:

«...وقتی خونه داری بهتر می‌تونی به بچه‌ها برسی و وقت بیشتری برای شوهرت داری... زنهای کارمند خیلی کمتر برای بچه وقت می‌گذارند چون نصف وقتشون برای کارشونه...».

### ب) جنبه‌های منفی خانه داری

از سوی دیگر زنان به این نکته اشاره داشتند که؛ «خانه داری اموری است یکنواخت و فاقد تنوع که موجب می‌شود زن روزانه یک سری وظایف فاقد ارزش را دائماً تکرار نماید که حتی گاهی دیگران متوجه انجام آنها نمی‌شوند و بعضاً با بی‌توجهی و عدم قدرشناسی اعضای خانواده نیز مواجه می‌شوند»:

ساناز، ۳۷ ساله دارای تحصیلات زیر دیپلم و دارای دو فرزند می‌گوید:

«زن مثل تکیه‌گاه می‌مونه. سرویس به بچه‌ها و شوهر می‌ده. وقتی غذا آماده است همه ذوق می‌کنن. بعضی موقع‌ها هم در خونه داری قدرشناسی نیست. فکر می‌کنند وظیفه‌اته. تنها هستی و هیچ‌کی کمکت نمی‌کنه».

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها نیز معتقدند که کار خانه زن را بعد از سال‌ها زندگی افسرده و منزوی می‌کند:

سارا ۴۳ ساله، دیپلمه و دارای سه فرزند:

«زنان خونه دار بعد از گذشت چند سال دچار پوچی می‌شن که این همه کار کردن برای چی، برای خودشون هیچ کاری نکردن. حتی یک استراحتم نداشتن و همه چیز برای خانواده بوده».

آبوت و والاس معتقدند، زن متاهل خانه دار خواه از چشم خود و خواه از دید دیگران هویت جداگانه‌ی ندارد و عموماً نیازهای خانوادگی را بر خواست‌ها و هوس‌های خود ارجح می‌شمارد (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

از این رو زنان خانه دار همواره از یکنواختی و عدم تنوع کارهای روزانه ی خانه گله مند هستند. به عنوان مثال مژده ۳۲ ساله، دارای مدرک فوق لیسانس که یک فرزند دارد، می گوید:

«در کارهای خونه به جز آشپزی که در اون تنوع هست، کار دیگه ای را دوست ندارم، چون بقیه ی کارها تکراری و بی ارزشند...».

لازم به ذکر است، تبعات منفی خانه داری زمانی برای یک زن بیشتر جلوه می کند که وی از سطح تحصیلات بالایی برخوردار بوده و بعضاً با همسر خود همتراز باشد. اینجاست که احساس عقب ماندگی و درجا زدگی بر او چیره شده و فرد تصور می کند زندگی سیر قهقراپی دارد. شیمیا، ۳۹ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دارای دو فرزند، می گوید:

«خونه داری را دوست دارم ولی از نظر من خونه داری هیچ جنبه مثبتی نداره. هر وقت کار خونه می کنم، احساس می کنم فاصله ام با شوهرم بیشتر میشه. چون شوهرم فعال و پویاست و دائماً رو به جلوست، پروژه های مختلف می گیره و کار میکنه، مطالعه میکنه... من دوست دارم برای کارهای خونه خدمتکار داشته باشم و برای اون قسمت از خونه داری که به امور بچه ها و یا فضاهای خصوصی خونه نظیر حریم کمدها و کسوها و... میشه و یا کارهای فکری خونه داری مثل چیدمان خونه خودم تصمیم بگیرم و کار کنم. الان هم دو هفته ای یک بار کارگر دارم، ولی با این حال خیلی وقتها احساس می کنم عقب مانده ام، به خصوص از موقع تولد بچه ام. می دونستم بچه دوم زندگیم رو عقب نگه میداره، اما ما ایرانی هستیم و بچه دوست و فکر میکردم دو تا بچه لازمه».

یافته های تحقیق نشان می دهد، احساس عقب ماندگی در زندگی زمانی برای زنان تشدید می شود که آنها به علت داشتن فرزندان خردسال و یا نوزاد و مسئولیت های مراقبتی ناشی از آن، مجبور باشند مدتها در منزل مانده و به صورت تمام وقت به امورات بچه داری و خانه داری پردازند.

### اوقات فراغت و خانه داری:

جامعه شناسان زندگی انسان را به سه بخش تقسیم می کنند: کار(اشتغال درآمدزا)، فراغت(زمان تفریح و سرگرمی) و ضرورت(زمان خواب و خوراک و دیگر فعالیتهای حیاتی). فمینیست هانشان داده اند که این الگو بازتاب نگرشی مردانه به دنیاست و با تجربه های بیشتر زنان جور در نمی آید؛ هم از آن رو که خدمات بی اجر خانگی را «کار» نمی شناسند و هم به این سبب

۴۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

که برای زنان متأهل کمتر پیش می‌آید که زمان فراغت را در بیرون از خانه سپری کنند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۷۱)، از این رو زنان خانه‌دار سعی می‌کنند تا اوقات فراغت خویش را نیز متناسب با امور خانه‌داری و در کنار رسیدگی به امور منزل سپری کنند:

اکرم ۵۵ ساله، تحصیلات زیر دیپلم و صاحب ۴ فرزند که همگی ازدواج کرده‌اند، می‌گوید:  
«...خیلی از وقتم رو تو آشپزخونم... بعضی موقع‌ها هم که بیکار میشم، تلوزیون نگاه میکنم یا

قرآن و نماز می‌خونم».

### کیفیت زندگی از نظر زنان خانه‌دار:

زنان مصاحبه‌شونده، فارغ از سطح تحصیلات و سن و سالشان معتقدند «آرامش در زندگی» یکی از اصول اولیه‌ی تحقق یک زندگی با کیفیت و سالم است، در این میان آنچه از نظر آنها مهم است نحوه رسیدن به این آرامش است. هرچند بیشتر آنها متفق‌القول هستند که داشتن همسر و فرزندان خوب بیشترین آرامش را برای یک زن خانه‌دار به ارمغان می‌آورد. بنفشه ۳۲ ساله، دیپلمه و دارای یک فرزند، معتقد است:

«برای یک زن خونه‌دار بهترین چیز آرامشه. اینکه تو خونه اونو قبول داشته باشن. تمام انرژی من رو شوهرم و مادر شوهرم اول زندگی گرفتن، اذیتم می‌کردن ولی من دوست داشتم آرامش داشته باشم...».

### جامعه‌پذیری و خانه‌داری:

تقریباً در تمامی جوامع زنان در درجه اول مسئول خانه‌داری و بچه‌دارند. این تصور چنان نافذ و از زمره بدیهیات عقل سلیم به شمار می‌آید که به ندرت مورد تردید یا اعتراض واقع می‌شود. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۷۳). از این رو مسئولیت خانه‌داری و نگهداری از کودکان، به صورت امری طبیعی و هنجاری پذیرفته شده، برعهده زنان گذاشته شده و دختران از بدو دوران طفولیت برای پذیرش و انجام هرچه بهتر این وظایف و نقش‌های محول تربیت می‌شوند. این موضوع تا بدان جا اهمیت دارد که بسیاری از زنان نیز به این امر اذعان دارند که وظیفه اول زن خانه‌داری است. نسرین ۵۸ ساله، دارای تحصیلات زیر دیپلم و پنج فرزند دارد، می‌گوید:

«خونه‌داری رو دوست دارم. مواظبت از خونه و حفظ خونواده وظیفه زنه. زن رو اول برای خونه داری گذاشتن.. شاید آگه کارمند بودم به خونواده اهمیت نمی‌دادم و فقط به خودم فکر می‌

کردم، فقط میرفتم سرکار و برمی گشتم. در حالیکه زندگی یعنی همه چی، زن خونه باید سیاست داشته باشه و مطیع شوهرش باشه، اون وقته که هیچ مشکلی پیش نیاد»

### اعتقادات مذهبی و خانه داری:

گاهی اوقات گرایشات مذهبی و سنتی در خانواده و اعتقاد به این که وظیفه اصلی زن خانه داری است، برخی زنان تحصیلکرده را از فعالیت در عرصه اجتماع و داشتن حرفه و شغلی به غیر از خانه داری باز می دارد:

شیمای ۳۹ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دارای دو فرزند می گوید:

«من تو یک خانواده ی سنتی مذهبی بزرگ شدم، پدر بزرگم روحانی هست و با تحصیل و مخصوصاً کار زن مخالفه. میگه آگه زن کار کنه، به همون اندازه درآمدش از روزی مرد کم میشه. دخترای خانواده ما آگه درسم خوندن پنهونی بوده».

### استیلاي مردانه و خانه داری:

در پاسخ به این سوال که، «آیا در صورت فراهم بودن شرایط اشتغال در خارج از خانه، همسر شما با کار و شاغل بودن شما موافق بود یا خیر؟ زنان مصاحبه شونده نظرات همسرانشان را به اشکال مختلفی بیان می داشتند که در ذیل بدان پرداخته شده است.

نتیجه ی تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده با زنان خانه دار نشان می دهد، گاهی اوقات زنان، خانه داری را نه به میل خود، بلکه تحت تاثیر القانات همسر و یا مردان خانواده خویش برگزیده اند. پاسخ های زنان نشان می دهد، مردان شیوه های گوناگونی برای متقاعد کردن زنان به خانه داری برمی گزینند. به عنوان مثال برخی از مردان معتقدند که نیازی به درآمد همسرشان ندارند، از این رو نیازی به اشتغال زن نیست. ژاله ۲۷ ساله، دارای تحصیلات دیپلم و دو فرزند دارد، در این رابطه می گوید:

«دوست داشتم شاغل باشم. دوست داشتم درآمد داشته باشم و دستم توی جیب خودم بود... زندگی بعضی وقتها شرایط سختی داره، اگر شاغل باشی و همیشه توی حسابت پول داشته باشی، می تونی به شوهرت کمک کنی... کار کردن بیرون از خونه (شاغل بودن) را دوست دارم، ولی بابام دوست نداشت، الان هم شوهرم دوست نداره و میگه مگه چه کمبودی داری؟..»

برخی از مردان نیز نامناسب بودن محیط های کاری و فضای جامعه را دلیلی برای ماندن زنان در خانه و خانه داری بیان می کنند: شایلا، ۲۶ ساله، دیپلمه، دارای دو فرزند:

۴۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

«خیلی دلم می‌خواست درسم رو ادامه می‌دادم و سرکار می‌رفتم. اما شوهرم دوست نداره کارمند باشم، میگه تو جامعه‌ی ما زنِ کارمند خوب نیست، زنها جنبه‌اش را ندارن و با مردها خیلی گرم می‌گیرن...».

در پاره‌ای از موارد نیز مردان با مطرح کردن دلایلی نظیر خستگی و فرسودگی زیاد زنان در خارج از خانه، آنها را به خانه داری تشویق می‌کنند. به عنوان مثال، لاله ۲۳ ساله، دارای مدرک فوق دیپلم، فرزند ندارد، می‌گوید:

«تجربه کار بیرون رو دارم، من از کار بیرون لذت می‌بردم و الان هم از فکر کردن به اون لذت می‌برم. احساس می‌کنم اگر کارمند بودم بیشتر می‌تونستم مفید باشم و از تحصیلاتم استفاده می‌کردم. ولی شوهرم میگه اگر الان میرفتم سرکار و به صورت تمام وقت کار می‌کردم خسته می‌شدم».

در این میان برخی از مردان نیز به صورت ایجابی و دستوری از زنانشان می‌خواهند، خانه داری کنند و نارضایتی خویش را از اشتغال زنان در خارج از خانه مطرح می‌کنند. ناهید ۴۸ ساله، فوق دیپلم و دارای سه فرزند می‌گوید:

«زمانی که ازدواج کردم، معلم بودم، ولی بچه اولم که به دنیا اومد، شوهرم به خاطر بچه اجازه نداد که برم سرکار. بعدم که دو تا بچه‌ی دیگه بدنیا اوردم که اصلاً نتونستم به کار برگردم... خیلی دوست داشتم که دوباره برام ی فرصتی پیش میومد تا سرکار برگردم ولی شوهرم در اصل با کار کردن من مخالفه. اون دوست نداره که من مستقل باشم...».

گاهی اوقات نیز مردان سعی می‌کنند تا خواسته‌ها و سلايق شغلیشان را به همسرشان تحمیل کنند، که در بسیاری از موارد باعث خانه نشینی آنها می‌شود. سمیرا ۳۶ ساله، دیپلمه، دارای دو فرزند می‌گوید:

«.. وقتی بچه‌ها کوچیک بودن، شوهرم دوست نداشت شاغل باشم، ولی الان میگه مخالفتی نداره. ولی هر شغلی را دوست نداره، مثلاً از آرایشگری خیلی بدش می‌یاد...».

### خانه داری و مادری:

فمینیست‌ها معتقدند؛ نقش همسر مانع از رشد هویت زن می‌شود، اما به نظر دوبووار نقش مادری از آن هم بدتر است. وی همسری و مادری را نقش‌های زنانه‌ای می‌داند که راه زن



برای دستیابی به آزادی را سد می کنند. از نظر وی، گاه زنان نه از روی میل بلکه فقط به منظور امرار معاش یا حفظ تعادل روانی خود زیر بار این نقش ها می روند. (تانگ، ۱۳۹۱: ۳۳۰-۳۳۲)

شیما ۳۹ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دارای دو فرزند، می گوید:

«شاغل بودن روحیلی دوست دارم، اما نگران بچه ی کوچیکم هستم که یک سال و نیمه هست. دوست ندارم مهد و یا خانه ی دیگران بزرگ بشه. دوست دارم که بچه ام مدرسه ای بشه و یک مدرسه ی خوب بفرستمش، آنوقت برم سرکار. اون موقع هم که سن کار کردنم بالا میره. البته من کار تمام وقت هم دوست ندارم چون فکر می کنم خیلی وقتم رو می گیرد و از خونه و خونواده دور میشم».

همچنین یافته های تحقیق اکلی (۱۹۷۴) نشان می دهد؛ زنان خانه دار از بچه داری بیش از کارهای دیگر لذت می برند. با این حال، بسیاری از آنها احساس تنهایی می کنند و در طول روز برای حضور سایر بزرگ ترها دلتنگ می شوند و یا براون و هاریس (۱۹۷۸) در تحقیقات خود متوجه شدند زنانی که با کودکان پیش دبستانی در خانه می مانند به شدت در معرض ابتلا به افسردگی های بالینی قرار دارند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۳)

مژده ۳۲ ساله، دارای مدرک فوق لیسانس و صاحب یک فرزند، می گوید:

«وقتی بچه داری و می خواهی بری سرکار ته دلت از این کار راضی نیستی.. از صبح که از خواب بیدار میشی دائم درگیر بچه ای. کمترین کار بازی با بچه اس، همیشه یک جوری آویزانته، گاهی وقتها حتی پنج دقیقه هم مال خودت نیستی..».

#### **زنان خانه دار و امور مالی و اقتصاد خانواده:**

تجزیه و تحلیل مصاحبه های عمیق کیفی نشان می دهد، بیشترین گلایه زنان از خانه داری به بخش مالی، یعنی بی اجر و مزد بودن کارهای خانه مربوط می شود. زنان معتقدند چون برای انجام کارهای خانه مزدی دریافت نمی کنند، از یک سو همواره برای گذران زندگی خود به همسرانشان وابسته هستند و از سوی دیگر زحماتشان فاقد ارزش می شود.

مهشید ۳۴ ساله، دارای تحصیلات زیر دیپلم و دو بچه دارد:

«زنهای کارمند دست به جیبند و راحتترین ولی زن خونه دار اصلاً جیب نداره، برای همین

کارمندها بیشتر استقلال دارن».

اکلی معتقد است زنان در خانه دارای کالایی که دارای ارزش اقتصادی باشد، تولید نمی‌کنند و نقش اقتصادی اصلی آنها نقشی با واسطه است به این معنا که زن خانه دار با ارائه خدمات به دیگران آنها را قادر می‌سازد تا در فعالیت اقتصادی مشارکت کنند. بنابراین از نظر وی بنا بر معیارهای اقتصادی خانه داری برای زنان نقش مصرف‌کننده را تعریف می‌کند و نه نقش مولد و چون بدان مزدی تعلق نمی‌گیرد، در نتیجه به عنوان کار و حرفه نیز محسوب نمی‌شود. (اکلی، ۱۹۷۴: ۳). از این رو هرچند در طول ساعات روز بسیاری از زنان وقت خود را به خانه داری و کارهای خانه اختصاص می‌دهند ولی با این حال به لحاظ اقتصادی وابسته محسوب می‌شوند.

#### مناسبات قدرت در خانه و خانه داری:

یکی از مهمترین معیارهای تشخیص مناسبات قدرت و ساختار قدرت در خانواده، به نحوه تقسیم درآمد و همچنین برنامه ریزی های پولی و مالی برای هزینه ها و مایحتاج خانواده برمی‌گردد، اینکه در نهایت چه کسی برای امور مالی خانه تصمیم می‌گیرد و نقش تعیین‌کنندگی بیشتری دارد. تقسیم درآمد در خانواده به مناسبات قدرت میان زن و شوهر بستگی دارد و به اینکه چه کسی قدرت تصمیم‌گیری های خانواده، بویژه تصمیم‌گیری های مالی را بر عهده داشته باشد. یان پال (۱۹۸۰) راه های گوناگونی را که زن و شوهرها برای اداره ی درآمدشان اختیار می‌کنند توصیف کرده است. گاه شوهر بسته ی پول دریافتی خود را به زن می‌دهد و زن مبلغی برای پول توجیبی به او باز می‌گرداند؛ در مواردی شوهر پولی به عنوان خرج خانه به زن می‌دهد و گاه همه ی منابع را روی هم می‌ریزند و تصمیم برای خرج آن مشترکاً صورت می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که از نظر اشتراک در منابع در درون خانواده تساوی برقرار نیست و زنان طبعاً نیازهای خود را پس از نیازهای شوهر و فرزندانشان قرار می‌دهند. واقعیتی بر این امر دخیل است و آن این که به ظاهر چه کسی پول را در می‌آورد و چه کسی کار نمی‌کند. کارهای خانگی زنان را کار واقعی محسوب نمی‌کنند چون پولی به خانه نمی‌آورند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۷) شیرین ۳۰ ساله، دیپلمه و دارای دو فرزند، می‌گوید:

« بیشتر برنامه ریزی های خونه با شوهرمه، من اصلاً نمی‌دونم چقدر حقوق می‌گیره...».

**استراتژی های زنان برای ارتقاء کیفیت زندگیشان:**

خانه داری فعالیتی است که در تنهایی انجام می شود و آن چه زنان را به کارهای خانه و امی دارد عشق و همسان پنداری است. زنان مایل اند تا جایی که ممکن است از کار در خانه احساس رضایت کنند و چون معیارهای روشن و پاداش کارفرمایی در کار نیست، طبعاً زنان دیگر را مبنای مقایسه قرار می دهند و کیفیت کار خود را با آنان می سنجند. در نتیجه خانه داری به جای یکپارچه کردن زنان ایشان را از هم دور می کند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۷۹)

نسرین ۵۸ ساله، تحصیلات زیر دیپلم و صاحب پنج فرزند می گوید:

«الان دخترا به کار خونه اهمیت نمی دن، برای همین طلاق زیاد شده. زمانی که ما جوون بودیم، به سختی خرید می کردیم، امکانات هم کم بود، ولی خوشحال بودیم، کار خونه می کردیم و به خونه تمیزمون افتخار می کردیم.

زنان اغلب برای بهتر شدن کیفیت زندگیشان و یا بنا بر گفته ی خودشان، برای بهتر شدن زندگیشان استراتژی های متفاوتی را برمی گزینند، که در ذیل بدانها اشاره شده است:

۱- برگزاری دوره ها و میهمانی های زنانه

۲- رفتن به اماکن تفریحی و ورزشی نظیر شرکت در کلاس های ایروبیک و یا گردش دسته جمعی در پارک بانوان و اماکن زیارتی

۳- عضویت در کانون های قرآن و بسیج مساجد

۴- متناسب کردن امور خانه داری با آموخته ها و تحصیلات دانشگاهی که مختص زنان تحصیلکرده خانه دار است.

به عنوان مثال شیمایا ۳۹ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد و دارای دو فرزند، در این رابطه می گوید:

«از نظر من زن خونه دار باید خونه داریش رو مهندسی کنه، یعنی با عدد و رقم کار کنه، زندگی رو مهندسی کنه. برای همه چیز برنامه ریزی کنه، طرح بریزه، فکر کنه، زندگی یک زن برنامه دار با یک زن بی برنامه که کارهاش رو بدون نظم انجام می ده کاملاً فرق داره».

در جامعه امروز زنان خانه دار خواهان مطالبات و حق و حقوق خود از جامعه هستند و اگر زنی خانه داری را چه به اجبار و چه به اختیار خود به عنوان شغل و وظیفه ی خود بر می گزیند، انتظارات و درخواستهای قانع کننده ای برای این انتخاب خود می خواهد که بتواند مانع بروز پیامدهای منفی زندگی در قلمرو و محدوده ی خانه ها و گذران بیشتر ساعات روز با کودکان و

افراد سالمند و سرویس دهی به اعضای خانواده باشد. این امر به زنان کمک خواهد کرد تا بتوانند سطح کیفیت زندگی خویش را ارتقاء بخشند.

### **بحث و نتیجه گیری:**

در کشور ما همانند بسیاری از کشورهای جهان، خانه داری مسئولیتی زنانه تلقی شده است که نقشها و وظایف مختلفی را بر عهده زنان قرار می دهد و آنها نیز همواره در طول تاریخ این مسئولیت را بدون چشمداشت مادی و پرداخت دستمزدی رسمی پذیرفته و انجام داده اند. از گذشته های دور، بسیاری از زنان و دختران برای بر عهده گرفتن این مسئولیت تربیت شده و ملاک صحیح جامعه پذیری آنها، انجام هرچه بهتر و دقیق تر این وظایف بوده است. با این حال نتایج این پژوهش نشان داد، زنان مصاحبه شونده با توجه به شرایط و ویژگی های فردی و اجتماعی که دارند، خانه داری را برای خویش درک و معنا نموده و هر یک دسته ای از وظایف و نقش ها را در زمره ی امور خانه داری توصیف می نمایند. با این حال تجزیه و تحلیل مصاحبه های عمیق کیفی نشان می دهد، تعریف خانه داری و ابعاد آن در ذهنیت تعداد زیادی از این زنان مشترک بوده و هر یک از آنها بر اساس تجربه ی زیسته ی خود قادر به شناسایی و طبقه بندی جنبه های مثبت و منفی ابعاد خانه داری می باشند. با توجه به این مسئله، بسیاری از آنها کارهای خانه را تکراری و یکنواخت می دانند و احساس جدایی از اجتماع، افسردگی و انزوا دارند، لذا کار خانه داری را خلاق و ارضاء کننده نمی دانند و حال آنکه عده ی دیگری از زنان، خانه داری را مثبت ارزیابی می کنند، چرا که معتقدند؛ انعطاف پذیری و خود مختاری در آن وجود داشته و موجب ارتباط و رسیدگی بیشتر به همسر و فرزندان می شود.

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده نشان می دهد، درک و تصور زنان از خانه داری، نقش مهمی در میزان رضایتشان از خانه داری و ارزیابی آنها از سطح کیفیت زندگی شان دارد، هر چند تقریباً تمامی زنان در تعریف و توصیفشان از کیفیت زندگی، داشتن «آرامش» را برابر با کیفیت زندگی می دانستند. از این رو برخی از مصاحبه شونده ها، دستیابی به آرامش و به تبع رضایت از زندگی که بر اساس نظریه اینگلهارت یکی از مهمترین شاخص های سازنده ی مفهوم کیفیت زندگی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴)، متاثر از عوامل اقتصادی و دستیابی به منابع و امکانات مالی و برخی دیگر رسیدن به آرامش را در گرو پذیرش نقش و جایگاه زن در خانواده و قدرشناسی همسر و فرزندان و در نتیجه «منزلت خانوادگی» می دانند. از نظر آنها مشخصه ی بارز

این جایگاه، میزان استقلال زنان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به امورات داخلی خانه و وظایف خانه‌داری و در نهایت سیاست‌های کلان خانوادگی است. از طرفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، نحوه جامعه‌پذیری و اعتقادات مذهبی زنان در پذیرش نقش‌ها و وظایف زنانه و گفتمان‌های رایج جامعه در رابطه با وظایف زنان و مردان و قبول مسئولیت خانه‌داری از سوی زنان و به تبع انجام این امور و درونی کردن هنجارهای خانه‌داری نقش اساسی دارد. چنانچه زنان مصاحبه‌شونده که به لحاظ ظاهری و نوع پوشش مقید به هنجارهای دینی بوده و در کلاس‌ها و جلسات قرآن نیز شرکت می‌کردند و در سنین بالاتر نیز قرار داشتند، معتقد بودند؛ «خانه‌داری جز وظایف اصلی زن» می‌باشد، هرچند آنان نیز برای خانه‌داری جنبه‌های منفی را برمی‌شمردند.

همچنین مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان داد، استیلای مردانه و مناسبات قدرت در خانواده از عواملی است که در پذیرش اجباری نقش‌های خانه‌داری نقش مهمی ایفا می‌نماید که معمولاً با فرایند مادری و مادر شدن به زنان محول می‌شود. بر این اساس برخی زنان تحصیل‌کرده بنا به خواست همسران خود برای ترک شغل و نگهداری فرزند در خانه، مجبور به پذیرش عنوان خانه‌دار شده بودند و یا برخی دیگر از این زنان تحت تاثیر تعاریف همسران خود از محیط کار و فضاهای اجتماعی، از ورود به بازار کار صرف نظر کرده‌اند.

در نهایت یافته‌های تحقیق نشان داد، زنان استراتژی‌های متفاوتی را برای ارتقاء سطح کیفیت زندگی‌شان به کار می‌گیرند، که در مجموع بیشتر بر راهکارهای فردی تکیه داشته و از طریق اتصال به شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی تحقق می‌پذیرد. بر این اساس، برگزاری دوره‌ها و میهمانی‌های زنانه، رفتن به اماکن تفریحی و ورزشی و عضویت در کانون‌های قرآن و بسیج مساجد و علاوه بر این در زنان تحصیل‌کرده، متناسب سازی امور خانه‌داری با آموخته‌ها و تحصیلات دانشگاهی از جمله راهکارهای آنان برای ارتقاء سطح زندگی‌شان بیان شده است.

### منابع

۱. آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، تهران: انتشارات کویر.
۳. باقری، شهلا (۱۳۹۰)، *ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و عوامل موثر بر آن*، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، ص ۸۹-۱۰۹.

۴۸..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

۴. بدری منش، اعظم (۱۳۸۵)، **تبیین جامعه‌شناختی نگرش زنان به خانه‌داری** (با تاکید بر شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر سهیلا صادقی فسایی.
  ۵. تانگ، رزمی (۱۳۹۱)، **نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی**، ترجمه ی منیژه نجم عراقی، تهران: انتشارات نی، چاپ دوم.
  ۶. دهداری، طاهره (۱۳۸۱)، **بررسی تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز**، رساله کارشناسی ارشد دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.
  ۷. ساروی، فتیحه کرمان، علی منتظری و معصومه بیات (۱۳۹۰)، **مقایسه کیفیت زندگی وابسته به سلامت زنان شاغل و خانه‌دار**، فصلنامه پایش، سال یازدهم، شماره اول، ص ۹۹-۱۰۴.
  ۸. صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۸۸)، **تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران**، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶، ص ۱۲۵-۱۵۲.
  ۹. غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸)، **کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی**، تهران: انتشارات شیرازه، چاپ اول.
  ۱۰. مختاری، مرضیه و جواد نظری (۱۳۸۹)، **«جامعه‌شناسی کیفیت زندگی»**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
  ۱۱. مرکز آمار ایران، **سالنامه آماری کشور ۱۳۸۳**، تهران: مرکز آمار ایران.
  ۱۲. ندری ایبانه، فرشته (۱۳۸۴)، **اشتغال و فرهنگ زنان**، فصلنامه بانوان شیعه، سال دوم شماره ۳.
  ۱۳. ندری ایبانه، فرشته (۱۳۸۵)، **خانه‌داری، اشتغال و زنان ایرانی**، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، شماره ۹، ص ۸۹-۱۲۲.
  ۱۴. نوربخش، اعظم و سید حمید آتش پور و حسین مولوی (۱۳۸۴)، **مقایسه ی سبک زندگی، سلامت روانی و شادکامی دیوران زن و زنان خانه‌دار شهرستان بشریه**، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان)، شماره بیست و ششم، ص ۳۷-۶۲.
15. -Baldwin.s ,Godfrey ,c, Propper, c(1994), **quality of life: perspectives and policies**, new York, routledge.
  16. -calman ,kc(1984), **quality of life in cancer patients: an hypothesis med ethics**.
  17. -Cutter ,s,(1985), **Rating place: a geographer's view on quality of life**, new York, Recource publications in Geography.
  18. -Ferrance , C and Powers ,M(1985), **Quality of life index: Development and propertied**, Adv Nursci.
  19. -Flangan, JC(1982), **Measurement of quality of life: current state of the art**, archives of physical medicine and rehabilitation, 63:56-9.
  20. -Grbich, Gorol(1999), **Qualitative research in health : an introduction**, sage publications ltd.
  21. -Oakley, Ann(1974), **woman's work**, pantheon books.
  22. -Nel ,E; Uys,HH(1993), **the effect of preparative teaching on the emotional attitude of patients undergoing coronary, bypass surgery curations**.
  23. -Pahl, J(1980), **Patterns of money management within marriage, journal of social policy**,19:313-35.
  24. -Philips, D,(2006), **quality of life: concept, policy and practice**, London, Rutledge.
  25. -Ryff,c,d & Singer, b.(1998), **the contours of positive human health**, psychology ingairy, 19, 1-28.
  26. -Silverman ,David(2000),**doing qualitative research: a practical hand book**, sage publications ltd.